

نقش کیفیت زندگی در دستیابی به اصول طراحی پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی غدیر اراک)

محمد صالحی مرزيجرانی*^۱، محمود تیموری^۲، مهرداد مهرجو^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

چکیده

مطالعات کیفیت زندگی در سیاست‌های اجتماعی و نقش آن، ابزاری مؤثر برای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است. هدف از این پژوهش ارزیابی کیفیت زندگی به منظور دستیابی به اصول طراحی پایداری اجتماعی، مجتمع های مسکونی است. روش تحقیق کمی و به روش نمونه موردی می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ها ۰/۸۴۳ بود. جامعه آماری پژوهش حاضر ساکنان مجتمع مسکونی غدیر اراک می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۰ نفر محاسبه شد. داده ها با استفاده از نرم افزار Spss و آزمون های آماری پارامتریک کولموگروف اسمیرنوف، همبستگی پیرسون، در رابطه با اندازه گیری و ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی با مشارکت ساکنان در بافت‌های فرهنگی-اجتماعی، احساس تعلق به ابعاد ذهنی و بافت‌های کالبدی و محیطی به ابعاد عینی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین، سطح کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق بالاتر از ابعاد عینی، فیزیکی و محیطی است. مولفه هایی مانند مولفه های اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، محیطی و احساس تعلق ابزاری قابل اعتماد برای سنجش کیفیت زندگی هستند و با توجه به سبک زندگی شهروندان می توان از آنها برای دستیابی به اصول طراحی پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی مانند مجتمع غدیر اراک استفاده کرد.

کلیدواژگان: کیفیت زندگی، پایداری اجتماعی، مجتمع های مسکونی، غدیر، اراک

^۱ - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

^۳ - دانشجوی دکتری، برنامه ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، ایران

۱- مقدمه

انسان از آغاز شهرنشینی همواره کوشیده است تا کیفیت زندگی در محیط زیست خود را بهبود بخشد. این تلاش‌ها در طیف وسیعی گسترش یافته است (رادجهانبانی و پرتوی، ۱۳۹۰). شهرها ارگانی زنده و پویا هستند، که برای حفظ سلامتی شهروندان و بقای خود، احتیاج به کیفیت محیطی بالایی برای ارتقا کیفیت زندگی شهروندان دارد (پرتوی و فتحعلیان، ۱۳۹۰). امروزه شهرهای ایران به گونه‌ای هستند که به لحاظ کیفیت زندگی، با انواع مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، حکمروایی، زیرساختی و زیست محیطی مواجه‌اند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸). در این راستا توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی، روانی که در قالب ابعاد عینی (کمی)، ذهنی (کیفی) هستند در روند برنامه‌ریزی به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ضروری است. به عبارت دیگر، علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌ها به صورت مشخص و عینی، باید ذهنیت و نوع نگاه شهروندان به این شاخص‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرد (محمودی‌آذرو همکاران، ۱۳۹۶). از این رو؛ سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی را ادراک فرد از موقعیت خود در زندگی با توجه به زمینه فرهنگی، ارزشی و اهداف فردی تعریف می‌کند (لطفی، ۱۳۸۸). در این شرایط، بهترین رویکرد برای ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی ساکنان یک بافت و محله، رویکرد توسعه پایدار و مقوله پایداری است که به مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی توجه همزمان دارد (دهقان زاد، ۱۳۹۲). توسعه پایدار برای این منظور ارائه راهکارهایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی است که از بروز مسائلی چون افزایش بی‌رویه جمعیت، فقر، نابودی منابع و محیط زیست، تداخل در اکوسیستم کره زمین و در نتیجه خسارات ناشی از آثار زیانبار نابودی محیط زیست جلوگیری کند؛ و این مهم، از جمله اصول طراحی پایدار می‌تواند به کاهش مصرف منابع طبیعی انرژی با توجه به هماهنگی بنا با اقلیم، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در بنا، ایجاد کمترین تغییرات در زمین، هماهنگی با سایت، استفاده از عوامل محیطی برای ایجاد آسایش و آرامش در بنا و استفاده از مصالح قابل بازیافت، حفاظت طبیعت و کاهش تولید سموم در طبیعت اشاره کرد؛ مسکن به دو صورت در خدمت انسان است، به او پناهگاهی می‌دهد تا آسایش را احساس کند و در آرامش به سر برد، و دیگر اینکه حکم نقطه عطف فعالیت‌های او را در این جهان دارد. مسکن مهم‌ترین عنصر شهر است که در توسعه پایدار شهر توجه به پایداری آن اساسی‌ترین وجه آن شناخته می‌شود. توسعه مسکن علاوه بر محیط زیست، بر اقتصاد، فرهنگ و مسائل اجتماعی تأثیر می‌گذارد، در حالی که افزایش شهرنشینی و تقاضای روبه رشد مسکن، توجه اغلب مسئولان را به رفع نیاز مسکن شهروندان جلب می‌کند، اما مسئله اصلی در توسعه پایدار مسکن، توجه به نیازهای نسل آینده در عین برطرف کردن نیازهای فعلی مسکن افراد جامعه است؛ به شکلی که تأمین مسکن امروز با کمترین تغییر حالت در محیط طبیعی، این امکان را به نسل آینده بدهد که به شکلی بهینه برای خود فضای زیستی مناسبی فراهم کنند (شمیرانی و ممقانی‌قاضی جهانی، ۱۳۹۱).

توجه به مفهوم پایداری در چارچوب مفاهیم ارتقاء کیفی سطح زندگی ساکنان می‌تواند در راستای بهبود وضعیت موجود این نواحی یاری رسان باشد. تداوم بی‌توجهی به کیفیت‌های زندگی در نهایت به افول تعالی انسان، که از مهم‌ترین الزامات پایداری برای نسل‌های کنونی و آتی است، می‌انجامد (رادجهانبانی، پرتوی، ۲۶:۱۳۹۰). نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت، برنامه ریزی، طراحی کمک کرده و درک لازم را برای اولویت بندی مسایل اجتماعی مورد نظر توسط برنامه ریزان و طراحان به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان فراهم آورد. در این راستا اهداف تحقیق حاضر، بصورت ذیل نوشته شده است:

- دستیابی به چالش‌ها و آسیب‌های مجتمع‌های مسکونی از منظر پایداری اجتماعی
- دستیابی به مهم‌ترین اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی

مجموعه های مسکونی است که در این راستا به بررسی و ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار در کیفیت زندگی ساکنین مجتمع مسکونی غدیر در کلان شهر اراک و تحلیل آنها در راستای تدوین اصول طراحی پایدار در مجتمع های مسکونی می پردازد.

- کدام یک از ابعاد کیفیت زندگی در دستیابی به طراحی پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی غدیر اراک نقش بسزایی دارند؟
- آیا بین ابعاد مختلف کیفیت زندگی در مجتمع مسکونی غدیر اراک رابطه معناداری وجود دارد؟
- کدام یک از ابعاد و شاخص ها در زمینه دست یابی به اصول طراحی پایدار در مجتمع مسکونی غدیر اراک مؤثر می باشند؟

۲- مرور ادبیات تحقیق

۲-۱- کیفیت زندگی

اصطلاح «کیفیت زندگی» تا چند دهه قبل مطرح نبود ولی با رویکرد آکادمیک، از دهه ۱۹۲۰ میلادی در زمان پیگو در کتابی با نام «اقتصاد و رفاه» به این موضوع اشاره شد، پیگو در این کتاب برای اولین بار از واژه کیفیت زندگی به طور تخصصی استفاده می کند؛ مفاهیم مربوط به کیفیت زندگی از دهه ۱۹۳۰ از سوی محققانی در رشته های علمی مختلف مورد مطالعه قرار گرفت و در اکثر مطالعات دیدگاهی کلی از سوی محققان کیفیت زندگی، با مصداق های دستیابی به یک زندگی برتر همراه با سلامت جسمی و روانی، آسایش و امنیت، ارتباطات همراه با مشارکت جمعی و وضعیت اقتصادی مورد قبول، به دست می آید؛ در دهه ۱۹۶۰ میلادی، مفهوم کیفیت زندگی در توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد پایدار مطرح و در کشورها و جوامع پیشرفته مترادف با عباراتی همچون: بهزیستی همگانی، رفاه و تأمین اجتماعی به کار برده شد؛ تا قبل از دهه ۱۹۷۰، شاخص های مورد استفاده در ارزیابی کیفیت زندگی عینی بوده اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد شاخص های ذهنی نیز مورد استفاده قرار گرفتند. نوع اول که شاخص های عینی می باشند بیشتر جنبه محیط های ساخته شده، محیط های طبیعی در حوزه های اقتصادی و اجتماعی را اندازه گیری می کنند و در نوع دوم شاخص ها، ادراک رفاه افراد و رضایتمندی ساکنان را از جنبه های مختلف زندگی اندازه گیری شاخص های عینی همانند: مسکن در ابعاد مختلف و خصوصیات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و شاخص های ذهنی رضایتمندی ساکنان از وضع موجود، انگیزه و... را مورد مطالعه قرار می دهند که این دو شاخص در بیشتر موارد مکمل یکدیگر هستند (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۸). در زمینه مفاهیم کیفیت زندگی تا این مقطع زمانی دیدگاه ها، نظریات و تعاریف متعددی از ناحیه سیاستمداران، پژوهشگران و جامعه شناسان، برنامه ریزان شهری ارائه شده که دامنه و وسعت مطالعاتی آن نشان دهنده عمیق و مهم بودن این مفهوم است. کیفیت زندگی، مفهومی است که می تواند در محیط های شهری از طریق در نظر گرفتن شاخص های اجتماعی، فیزیکی، زیست محیطی و اقتصادی ارزیابی شود (Moradi, Rob, 2020).

مطالعات کیفیت زندگی می تواند به شناسایی نواحی مسئله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی، پایش، ارزیابی کارایی سیاست ها و استراتژی ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۹). محققان رشته های گوناگون از جمله شهرسازی، جغرافیا، جامعه شناسی، اقتصاد، روان شناسی، علوم سیاسی، بازاریابی و مدیریت در این عرصه مشارکت داشته اند. اما این مطالعات از جنبه های متعددی مانند: مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش های سنجش کیفیت زندگی، متفاوت هستند. به این ترتیب که روش های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل گرایانه و متکی بر شاخص های کالبدی، مکانی و اجتماعی، ارائه نشده است. (Kamp et al, 2003). مطالعات اولیه در مورد کیفیت زندگی شهری در شهرها، کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و در حال صنعتی شدن جدید، از دهه ۱۹۷۰ به

بعد مورد توجه جدی قرار گرفته است. تحقیقات و تلاش های پیشین در این زمینه از دانش پژوهان جهانی (کمپ بل، کاورز و رودگرز در سال ۱۹۷۶، گرین، وروف و فلدر در سال ۱۹۶۰ و...) که در رشته های مختلفی از قبیل: جامعه شناسی و روان شناسی مشغول فعالیت بوده اند، آغاز شده است. پژوهش گران مختلف در این مطالعات سعی داشتند که مفاهیم و اجزای کیفیت زندگی را تعریف کنند (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴). بحث کیفیت زندگی و مؤلفه های سازنده آن را نه تنها از دیدگاه نظری و آراء صاحب نظران، بلکه از دیدگاه تجارب عملی و زمینه ای و آنچه که در پروژه های طراحی به عنوان کیفیت های مطلوب مد نظر قرار گرفته، نیز می توان مورد بررسی و پیگیری قرار داد. در این پژوهش که توسط اشنایدر (۱۹۷۶) بر روی شهرهای آمریکایی انجام شده است، شش بعد برای کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. این ابعاد عبارتند از: نابسامانی های اجتماعی، مشارکت، آموزش، درآمد، محیط زیست و بهداشت. سپس برای هر کدام از این ابعاد، شاخص هایی را به منظور سنجش آن ها انتخاب کرده است (Massam, 2002, 123). در پژوهشی که تحت عنوان پروژه شهر سالم در تورنتو انجام شده است (۱۹۹۳)، پنج بعد برای سنجش کیفیت زندگی شهر تورنتو در نظر گرفته شده است. این ابعاد عبارتند از: حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و ایمنی (لطفی، ۱۳۸۸، ۷۴). سانتوس و مارتینز (۲۰۰۷) در پژوهشی که به منظور نظارت بر کیفیت زندگی در شهر پورتو انجام داده اند، برای کیفیت زندگی در این شهر جنبه های زیر را تعریف کرده اند: الف- جامعه: جمعیت، آموزش، ساختار فرهنگی، بهداشت، ایمنی، ناهنجاری های اجتماعی، ب- وضعیت محیط زیست: فضاها، سبز، آب و هوا، صدا، کیفیت هوا، زیرساخت های اساسی، ج- وضعیت کالاهای اجتماعی: تسهیلات اجتماعی، تسهیلات ورزشی، تسهیلات آموزشی، تسهیلات اجتماعی و درمانی، تحرک و پویایی، خرده فروشی، د- وضعیت اقتصادی: درآمد و هزینه، بازار کار و بازار مسکن، مکانیزم اقتصادی (Santos, 2007, 418).

۲-۲ تشریح شاخص کیفیت زندگی از منظر مؤلفه های ذهنی و عینی

اندیشمندان مختلفی نظیر نول^۲ (۲۰۰۰)، فیلیپس^۳ (۲۰۰۶)، وین هوون^۴ (۲۰۰۷) و ... شاخص کیفیت زندگی را به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم کرده اند:

رویکرد ذهنی کیفیت زندگی به تصورات ذهنی فرد از نوع زندگی گویند رویکرد عمده در این زمینه رویکرد آمریکایی بوده و تأکید بر تجارب ذهنی افراد در زندگی شان دارد که "رضایت مندی و خوشبختی" به عنوان معرف های اصلی این سنجش به کار برده می شود. انگوس کمپل^۵ به عنوان یکی از طرفداران این رویکرد معتقد است که شهروندان بهترین قضاوت کنندگان در خصوص موقعیت زندگی خود هستند و لذا کیفیت زندگی را باید از دریچه ی چشم آن ها مشاهده کرد (زاهدی اصل و فرخی، ۱۳۸۹:۷ به نقل از همان).

¹ Economic mechanism

² Noll

² Phillips

³ Veenhoven

⁵ Angus Campbell

بررسی و مطالعه مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی از دیدگاه صاحب نظران و پژوهشگران و تجارب عملی حوزه های مختلف، که کیفیت زندگی را از جنبه های گوناگون و به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تبیین نموده اند، به ما کمک نمود که بتوانیم مؤلفه های اثر گذار بر کیفیت زندگی در فضاها و محیط های شهری را به صورت زیر شاخص ها در پژوهش مستندسازی و جمع بندی نمائیم :

جدول ۱. مستندسازی و جمع بندی متغیرهای کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

ابعاد	متغیرها	شاه حسینی و توکل (۱۳۹۳)	حانمی نژاد و محمدی کاظم آبادی (۱۳۹۶)	شکویی، کاظمی و محمدی (۱۳۸۱)	Massam, 2002	هادیزاده زرگر، قاسمی، نسترن (۱۳۹۳)	کوکبی و همکاران (۱۳۸۴)
اجتماعی-فرهنگی	مشارکت	✓			✓	✓	
	امنیت	✓	✓			✓	✓
	فعالیت ها						
	و نقل	✓					✓
			✓	✓			✓
حس تعلق	رابطه روحی روانی					✓	
	اخلاقی ایدئولوژیکی					✓	
	بیوگرافیکی					✓	
کالبدی	-		✓				✓
زیست محیطی	-	✓	✓		✓		
پایداری اجتماعی	قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی			✓	✓		
	آموزشی	✓		✓	✓		
	مسکن	✓		✓			✓

✓						خوانایی
						نفوذپذیری
						گوناگونی
			✓			آسایش اقلیمی
✓	✓		✓			امنیت
	✓	✓				مشارکت

رویکرد عینی کیفیت زندگی را به عنوان مجموعه ای از شرایط واقعی و بیرونی زندگی و مواردی آشکار و مرتبط با استانداردهای زندگی قلمداد می کند. این موارد سلامت جسمانی، شرایط شخصی (از جمله ثروت و شرایط زندگی)، ارتباطات اجتماعی، اقدامات اجتماعی، اقدامات شغلی و یا دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی است (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱). در این زمینه رویکرد معروف رویکرد اسکاندیناوی است. این نوع رویکرد به شرایط عینی زندگی و رفاه افراد از طریق برآوردن نیازهای اولیه زندگی تأکید دارد. "جان درنیوسکی"^۱ و "ریچارد تیتموس"^۲ از بنیان گذاران این رویکرد هستند (زاهدی اصل و فرخی، ۱۳۸۹: ۷).

در تلورانس میان این دو مؤلفه عینی و ذهنی یک دیدگاه کل نگر (فلسفه^۲ و پری^۴ ۱۹۹۶ به نقل از همان) به وجود آمد. این دیدگاه کیفیت زندگی را یک پدیده ی چند بعدی می نامند و هر دو مؤلفه ی عینی و ذهنی را در نظر می گیرد. در این ارتباط می توان گفت که یک تمایز قدیمی میان ذهنیت و عینیت کیفی زندگی وجود دارد. عینیت به درجه ای از زندگی که معیارهای زندگی خوب را تبیین می کند، اشاره دارد که توسط یک ناظر بیرونی اندازه گیری شده است. ذهنیت شامل ارزیابی خود فرد از موقعیت زندگی اش است (وین هوون، ۲۰۰۱ و حسین پور، ۱۳۸۸: ۶۱ به نقل از تمیزی فر، ۱۳۸۸). بر اساس این، نول معتقد است که می توان بر حسب سطوح کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی ماتریسی ۳*۲ شامل حالت های بهزیستی، محرومیت، انطباق و ناهماهنگی را مفهوم سازی کرد (راپلی^۵، ۲۰۰۳: ۳۰).

کیفیت زندگی از واژه هایی است که تعریف مشخص و یکسانی ندارد، اگرچه مردم به شکل غریزی معنای آن را به راحتی درک می کنند، اما این مفهوم برای آن ها یکسان نیست (نجات، ۱۳۸۷). به رغم تنوع، گوناگونی مفاهیم و تعاریف برای کیفیت زندگی، هنوز در مورد کیفیت زندگی و جنبه های تشکیل دهنده آن اتفاق نظر وجود ندارد، اما نکته ای که همه محققان در آن اتفاق نظر داشته اند، چند بعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی بوده است به طوری که هر محقق با دیدگاه خود لایه های تشکیل دهنده کیفیت زندگی را برشمرده و با تعریف لایه ها سعی در تعریف کیفیت زندگی دارد. از دهه ۱۹۳۰، مطالعات تجربی و عملی فراوانی به منظور سنجش کیفیت زندگی در کشورهای مختلف دنیا انجام گرفته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۱۰). محققان با روش ها و طرز برخوردهای متنوع کوشیده اند تا اجزا و عناصر کیفیت زندگی را معین نمایند و مناطق جغرافیایی مانند: شهرها، ایالت ها و ملت ها

⁵ John Drnyvsky

⁶ Richard Titmus

³ Felce

⁸ Perry

⁵ Rapley

را به وسیله شاخص‌های کیفیت زندگی که آن‌ها گسترش داده‌اند، مقایسه کنند (لطفی، ۱۳۸۸، ۶۶). در کنار این دسته از محققان، سازمان‌های بین‌المللی مانند WHO, UN, UNDP هر یک سنجه‌های موردنظر خود را در رابطه با کیفیت زندگی ارائه داده‌اند، اما تا به حال، علوم رایج موفق نشده‌اند رویکردی ترکیبی که بتواند ابعاد متعدد شاخص‌های کالبدی، فضایی و اجتماعی کیفیت زندگی را ارزیابی کند، طراحی کنند (Van Kamp et al, 2003). نتایج مطالعات حاکی از آن است که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش شناسی واحدی برای تعیین قلمروها، معرف‌های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به آن و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه، قضاوت‌های شخصی محقق، ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه و ... صورت می‌گیرد و تفاوت‌های عمده‌ای در مدل‌های کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص‌ها و قلمروهای زندگی وجود دارد که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷). کمپ و همکارانش معتقدند که توافقی در ادبیات کیفیت زندگی وجود دارد که براساس آن مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، اساس اجتماع محلی را تشکیل می‌دهند و این مؤلفه‌ها به‌طور سیستماتیک برای معرفی محتوای مفاهیم قابلیت زیست‌پذیری، پایداری و کیفیت زندگی استفاده شده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹۵). کامانگی و همکارانش نیز به مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی اشاره کرده‌اند و معتقدند که تعادل این مؤلفه‌ها، کیفیت زندگی را در هر لحظه از زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد (Camangi et al, 1998, 105). اسمیت (۱۹۹۷) به عناصر کالبدی که در شکل‌گیری کیفیت زندگی در یک محله مؤثرند، پرداخته و چارچوبی برای فهم ارتباط متقابل کیفیت زندگی در یک محیط شهری و فرم کالبدی آن ایجاد کرده است. کمپ (۲۰۰۳) یک چارچوب مفهومی میان‌رشته‌ای در ارتباط با کیفیت محیط و کیفیت زندگی با هدف بهبود فرایند توسعه شهر، ارتقاء کیفیت محیط و رفاه انسانی ایجاد کرد (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۰)، چارچوبی برای تعیین ابعاد مختلف کیفیت زندگی تدوین کرده‌اند که به گفته ایشان این چارچوب می‌تواند برای تدوین ابعاد پایداری، رفاه و کیفیت زندگی شهری در یک جامعه مورد استفاده قرار بگیرد (Hancock, 1999, 24). محققان دیگری از قبیل هاردی (۲۰۰۶)، رینر (۲۰۰۷) و تالن و همکاران (۲۰۰۷) نیز اظهار داشته‌اند که محیط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی هسته اصلی مطالعه کیفیت زندگی را شکل می‌دهند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۶). برخی نیز کیفیت زندگی را به عنوان میزان توانایی محیط برای تامین منابع ضروری جهت تامین نیازهای روزمره زندگی انسان تفسیر می‌کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷).

اصل پایداری در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری به عنوان هدف کلی جهانی بیان شده است

توسعه پایدار، مفهومی است که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایت مندی افراد، همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر قرار می‌گیرد (الیوت، ۱۳۷۸، ۳). کیفیت زندگی انسان ارتباط مستقیمی با کیفیت محیط سکونت و زیست‌او دارد، لذا مسائلی از جمله بحران محیط زیست، انرژی، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ترافیک، بخشی از عواملی هستند که می‌توانند کیفیت زندگی انسان را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار دهند و در این شرایط در راستای افزایش و بهبود کیفیت زندگی انسان توجه به مقوله توسعه پایدار مطرح می‌شود. اگر بخواهیم کیفیت زندگی شهروندان را در حال و آینده بهتر کنیم فقط باید آن را در چارچوب پایداری قرار دهیم (Uzell, 2006, 3). بنابراین، نمی‌توان رابطه محکم کیفیت زندگی و پایداری را انکار کرد (Fahy & Cinneide, 2008, Uzell, 2006).

۳- پایداری اجتماعی

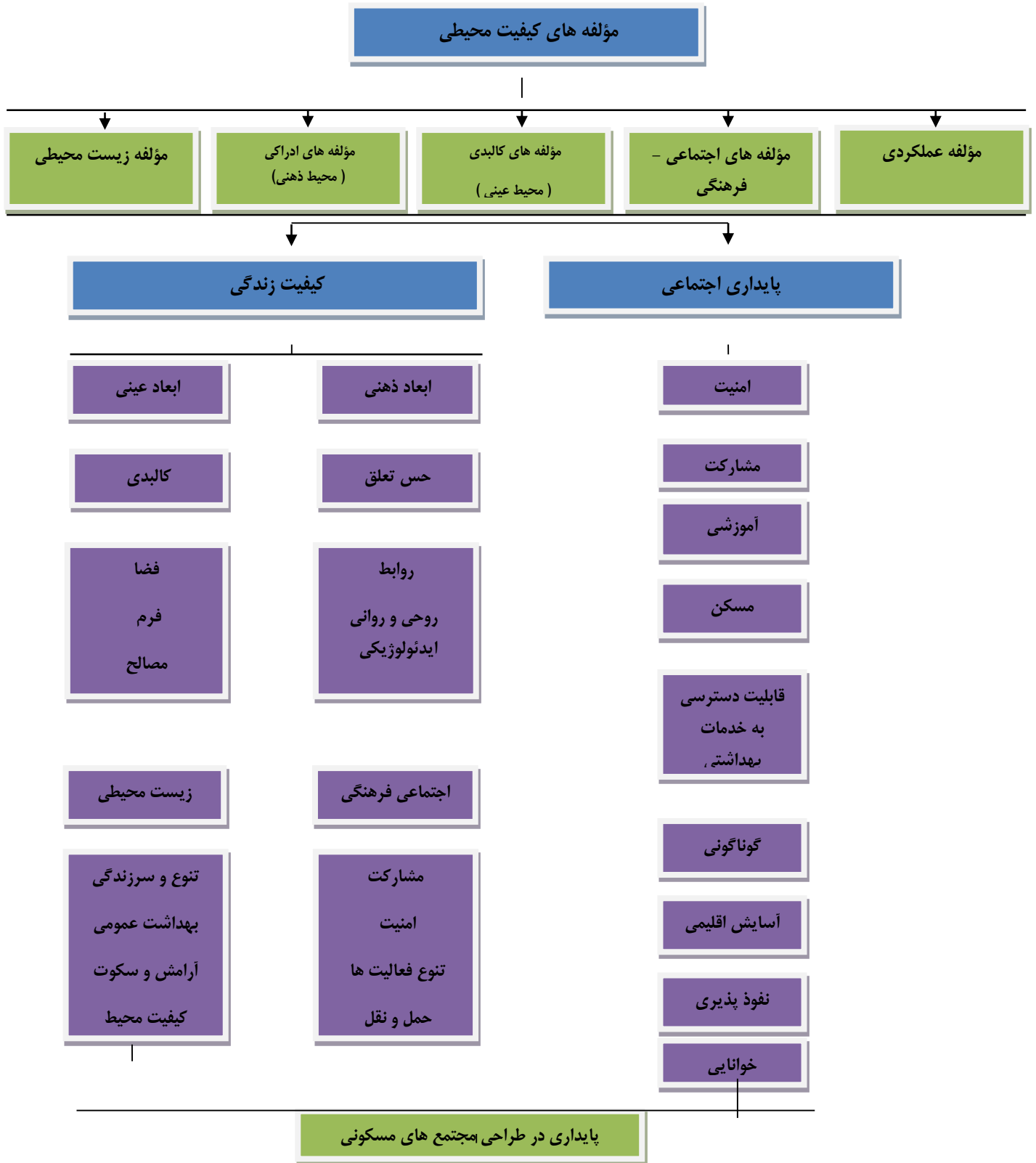
۳-۱ شاخص های پایداری اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان

یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است در ارائه مدل های توسعه کالبدی که در ایجاد پایداری اجتماعی بیشتر مؤثر واقع می شوند، می توان دو نگرش عمده را مشاهده نمود، نگرش اول، به گفته سلحشور (۱۳۸۸: ۱۲) کارکرد مکان تا سطح پرداختن به مسائل عملکردی کاهش می یابد که این موضوع خود مستلزم رعایت موازین اساسی در جهت تأمین آسایش کاربران است. در دیدگاه دوم با نگاه ژرف تری علاوه بر تأکید بر مسائل عملکردی با هدف کنکاش برای ایجاد بستری برای تحقق نظام رفتاری اجتماعی هستیم. به گفته فیچر (۲۰۰۷: ۱۱) در این رویکرد در پی فهم و درک زمینه های تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی توسط تبیین و تدوین مدل های فرهنگی و رفتاری می باشیم. در دیگرام شماره ۱ به تبیین شاخص های مؤثر کیفیت زندگی در دستیابی به اصول طراحی پایداری اجتماعی پرداخته شده است که با توجه به پیوستی هر محیط ممکن است بر تعداد مؤلفه ها و زیر مجموعه های آن اضافه گردد و یا برخی از آنها در یکدیگر ادغام گردند. در نتیجه تشریح شاخص فوق و چگونگی سنجش آنها و دستیابی به پایداری اجتماعی از طریق آنها نیازمند مطالعه و درک محیط و هستی شناسی فضای آن می باشد.

۳-۲ رابطه کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مولفه هایی چون: قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، درآمد و میزان محرومیت سنجیده می شود (شکویی، کاظمی محمدی، ۱۳۸۱، ۳۲). بطور کلی می توان گفت که پایداری اجتماعی که با شاخص اصلی آن یعنی کیفیت زندگی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد، عبارت است از تأمین شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می آید (دهداری، ۱۳۸۱، ۴۰).

به منظور سنجش تأثیر کیفیت زندگی تحت تأثیر، کیفیت محیط شهری و شاخص های مؤثر در آن جهت دستیابی به اصول طراحی پایدار در مجتمع های مسکونی، بر اساس رویکرد از بالا به پایین و ایجاد درخت ارزش در سطوح مختلف عمودی و افقی شکل گرفت. سطوح اصلی افقی این مدل در ۳ سطح، کیفیت محیطی، کیفیت زندگی و اصول طراحی پایدار طبقه بندی گردیده است و سطوح عمودی آن شامل معیارها، شاخص ها و سنجه های در خور بررسی در محیط شهری حالتی درهم تنیده و منسجم دارند که هر کدام شامل زیر مؤلفه هایی هستند.

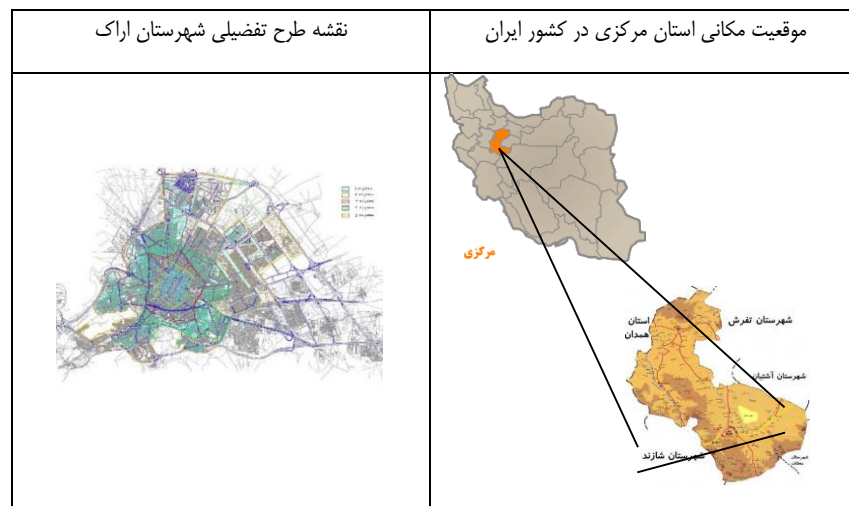


۴- روش پژوهش

نقش کیفیت زندگی در دستیابی به اصول طراحی پایدار در مجتمع مسکونی شهر اراک بر اساس ابعاد اجتماعی- فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و حس تعلق مورد سنجش قرار گرفته است. تحقیق حاضر از نظر رویکرد کمی می باشد؛ روش تحقیق از نوع کمی، روش نمونه موردی می باشد. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه که در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. برخی داده‌های مورد نیاز مانند چارچوب نظری- مفهومی پژوهش، اسناد و مدارک و سرشماری‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای به دست آمده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴۳ به دست آمد. برای بررسی روایی پرسشنامه‌ها نیز از روایی صوری استفاده شد. با توجه به حجم جامعه آماری، که شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن در مجتمع مسکونی غدیر اراک می باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۰ نفر محاسبه و به روش تصادفی ساده و با ۶۷ سوال متنوع که مجموع اهداف ما را تأمین نماید توزیع گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و از آزمون کولموگروف اسمیرونوف برای نرمال بودن توزیع داده های پژوهش استفاده شد. همچنین به منظور بررسی رابطه بین ابعاد مختلف کیفیت زندگی با پایداری اجتماعی از دیدگاه نمونه مورد مطالعه از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

۵- محدوده مورد مطالعه

پاسخ دهندگان از متوسط سنی بین ۲۲ تا ۷۴ سال انتخاب شدند و توزیع جنسیت در آن ها به لحاظ زن و مرد بودن ۶۰ درصد مرد و ۴۰ درصد زن انتخاب گردید. متوسط دوره سکونت پاسخ دهندگان بین ۱۰ تا ۲۰ سال انتخاب شد و اکثراً آشنایی کامل با محیط مجتمع داشتند. همه پاسخ دهندگان از ساکنان محله ، متولدین و حتی شاغلین در محله انتخاب شدند. در زمینه شغلی و تحصیلی نیز سعی در انتخاب الگوهای مختلف ، از میان گروه هایی از کارگر ، کارمند، کار آزاد ، بی سواد، با سواد ، خانه دار ، دانشجو و شده است. پژوهش حاضر واقع در شهرک بعثت فاز ۲، پروژه مسکن مهر غدیر با ۸۴ واحد مسکونی می باشد در حاشیه شمال غربی شهرستان اراک واقع شده است مورد ارزیابی قراردادی که شامل ۲ بلوک ۷ طبقه دارای ۸۴ واحد مسکونی می باشد شرایط مناسبی را جهت دستیابی به اهداف این پژوهش را فراهم آورده است.



شکل ۲. موقعیت مکانی استان مرکزی، نقشه طرح تفصیلی کلانشهر اراک (مأخذ:نویسندگان)



شکل ۱-۲. نقشه جانمایی و تصاویر، محدوده سایت و پروژه (مأخذ: نویسندگان)

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۶-۱ یافته‌های توصیفی

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۸۰ نفر است که ۵۱/۷ درصد آنان مرد و ۴۸/۳ درصد زن هستند. همچنین از نظر سنی، ۲۳/۶ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۵۴/۷ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ سال و ۲۰ درصد بالاتر از ۴۱ سال سن دارند. میزان تحصیلات ۱۸/۶ درصد زیردیپلم، ۲۹/۳ درصد دیپلم، ۱/۴ درصد کاردانی، ۴۳/۹ درصد کارشناسی و ۶/۸ درصد کارشناسی ارشد می‌باشد.

جدول ۲. درصد فراوانی مشخصات پاسخگویان (مأخذ: نویسندگان)

متغیر	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۵۱/۷
	زن	۴۸/۳
سن	کمتر از ۲۰ سال	۲۳/۶
	۲۰ تا ۴۰ سال	۵۴/۷
	۴۱ سال به بالا	۲۰
	اظهاری نشده	۱/۷
سطح تحصیلات	زیردیپلم	۱۸/۶
	دیپلم	۲۹/۳
	کاردانی	۱/۴
	کارشناسی	۴۳/۹
	کارشناسی ارشد	۶/۸

۶-۲ یافته‌های تحلیلی

برای بررسی نرمال بودن داده ها، از آزمون کالموگروف- اسمیرونوف استفاده شده است. با توجه به نتایج این آزمون در جدول شماره (۳) می‌توان اظهار نمود که توزیع داده ها نرمال است؛ زیرا سطح معناداری مقدار Z بزرگتر از 0.05 می‌باشد ($p > 0.05$) بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که می‌توان از آزمون‌های پارامتری برای تحلیل سؤالات پژوهش استفاده کرد.

سطح معناداری	مقدار Z	تعداد نمونه	جدول ۳. نتیجه آزمون کالموگروف اسمیرونوف برای نرمال بودن توزیع داده های پژوهش (مأخذ: نویسندگان) متغیر
۰/۰۵۲	۱/۳۵۱	۲۸۰	کیفیت زندگی
۰/۰۵۸	۱/۲۴	۲۸۰	پایداری اجتماعی

با توجه به جدول شماره (۴) نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد، که کیفیت زندگی به عنوان یک سازه کل با همه ابعاد آن یعنی کالبدی، زیست محیطی، حس تعلق و بعد اجتماعی و فرهنگی رابطه مثبت و معنادار دارد. ضریب همبستگی کالبدی با زیست محیطی 0.413^{**} ، حس تعلق 0.361^{**} و اجتماعی و فرهنگی 0.316 می‌باشد. که ساکنان مجتمع مسکونی بر این باورند هرچه کالبد مجتمع‌ها از نظر فضاهای باز عمومی، طراحی فرم و شیوه ساخت، طراحی ورودی‌ها، طراحی عناصر هویت‌بخش نظیر مرکز محله و مسجد، و ... افزایش یابد؛ به همان میزان سبب بهبود محیط و افزایش حس تعلق ساکنان برای زیستن در این مجتمع‌ها و مشارکت ساکنان در حل مشکلات، حس دلبستگی نیز افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی زیست محیطی با حس تعلق 0.481^{**} ، با بعد اجتماعی و فرهنگی 0.508 می‌باشد. ضریب همبستگی بالای زیست محیطی با حس تعلق و اجتماعی و فرهنگی حاکی از آن است که ساکنان مجتمع‌های مسکونی بیشتر در این فضا حضور دارند، این فضاها را نسبت به دیگران زیست پذیرتر می‌دانند و نگرش مثبت تری نسبت به روابط روحی- روانی و بیوگرافیکی دارند. ضریب همبستگی پایداری اجتماعی با بعد اجتماعی- فرهنگی 0.672 ، با بعد کالبدی 0.427 ، با حس تعلق 0.571 می‌باشد. ضریب همبستگی بین پایداری اجتماعی و موارد فوق‌الذکر از جمله حس تعلق حاکی از آن است که جمیع ساکنان مجتمع‌های مسکونی حس دلبستگی و تعلق خاصی به این مکان دارند و همچنین همبستگی بین کالبدی و پایداری اجتماعی مبین آن است که مجتمع‌های مسکونی از نظر کالبدی و کیفیت محیطی برای ساکنان آن‌ها قابل قبول بوده و کیفیت زندگی خود را در این مکان بهتر از مکان دیگر تصور می‌کنند. به طور کلی می‌توان بیان کرد که هر چه میزان ابعاد کیفیت زندگی (کالبدی، زیست محیطی، حس تعلق، اجتماعی و فرهنگی) افزایش یابد به همان میزان نیز رضایت از کیفیت زندگی در سطح مجتمع‌های مسکونی نیز افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی پایداری اجتماعی با شاخص کیفیت زندگی 0.827 می‌باشد؛ ضریب همبستگی بین پایداری اجتماعی و شاخص کیفیت زندگی حاکی از آن است که اگر یک درصد از میزان شاخص‌های کیفیت زندگی افزایش یابد، به همان میزان نیز پایداری اجتماعی در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی غدیر نیز افزایش می‌یابد؛ که مبین سطح معناداری قابل قبولی بین شاخص کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی است.

جدول ۴. بررسی رابطه بین ابعاد مختلف کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون (مأخذ: نویسندگان)

رابطه مؤلفه ها	اجتماعی و فرهنگی	کالبدی	زیست محیطی	حس تعلق	شاخص کیفیت زندگی	پایداری اجتماعی
اجتماعی و فرهنگی	ضریب همبستگی	-				
	سطح معناداری	-				
کالبدی	ضریب همبستگی	۰/۳۱۶				
	سطح معناداری	۰/۰۰۳				
زیست محیطی	ضریب همبستگی	۰/۵۰۸	۰/۴۱۳			
	سطح معناداری	۰/۰۰۴	**۰/۰۰۰۱			
حس تعلق	ضریب همبستگی	۰/۲۱۸	۰/۳۶۱	۰/۴۸۱		
	سطح معناداری	۰/۰۰۷	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۱		
شاخص کیفیت زندگی	ضریب همبستگی	۰/۶۰۲	۰/۵۸۴	۰/۴۵۳	۰/۵۰۳	
	سطح معناداری	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۱	
پایداری اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۶۷۲	۰/۴۲۷	۰/۴۱۰	۰/۸۲۷	
	سطح معناداری	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۱	**۰/۰۰۰۲	**۰/۰۰۰۱	

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است. تعداد = ۲۸۰

بررسی رابطه بین کیفیت زندگی با پایداری اجتماعی بوسیله تحلیل رگرسیون

جهت مطالعه و بررسی رابطه بین شاخص کیفیت زندگی در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته پایداری اجتماعی، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون که در جدول (۵) نشان داده شده است، ضریب رگرسیون برابر با ۰/۷۸۴ می‌باشد، که همبستگی بالایی بین کیفیت زندگی با پایداری اجتماعی برخوردار است؛ بنابراین مقدار این ضریب، رابطه بین متغیرها را تأیید میکند. در واقع به بیانی ساده، به ازای یک واحد تغییر در اثر انحراف معیار متغیر کیفیت زندگی، ۰/۷۸۴ درصد تغییر در پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی غدیر شهر اراک ایجاد می‌شود؛ در نتیجه در صورت بالا رفتن میانگین کیفیت زندگی، تأثیر و نقش آن در پایداری اجتماعی مجتمع مسکونی غدیر افزایش می‌یابد. و همچنین، متغیر کیفیت زندگی به میزان ۶۸٪ توانایی پیش‌بینی تغییرات پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی غدیر را دارد.

جدول ۵. آماره تعیین رگرسیون گام به گام کیفیت زندگی بر پایداری اجتماعی (مأخذ: نویسندگان)

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعدیل یافته	نمره F	Sig F	ضریب بتا	نمره T	Sig T
-----	--------------	------------	------------------	--------	-------	----------	--------	-------

شاخص کیفیت زندگی ← پایداری اجتماعی	۰/۷۸۴	۰/۶۸۴	۰/۶۷۷	۴۵۲/۳۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۸۴	۱۸/۰۶	۰/۰۰۰
---------------------------------------	-------	-------	-------	---------	-------	-------	-------	-------

- بررسی رابطه بین کیفیت زندگی با اجتماعی - فرهنگی بوسیله تحلیل رگرسیون

جهت مطالعه و بررسی رابطه بین شاخص کیفیت زندگی در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته اجتماعی-فرهنگی، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون که در جدول ۱۰ نشان داده شده است، مقدار رگرسیون برابر با ۰/۶۰۲ می‌باشد، که همبستگی بالایی بین کیفیت زندگی با شاخص اجتماعی-فرهنگی برخوردار است؛ بنابراین مقدار این ضریب، رابطه میان این متغیرها را تأیید میکند. در واقع به بیانی ساده، به ازای یک واحد تغییر در اثر انحراف معیار متغیر اجتماعی-فرهنگی، ۰/۶۰۲ درصد تغییر در شاخص کیفیت زندگی در مجتمع مسکونی غدیر شهر اراک ایجاد می‌شود؛ در نتیجه در صورت بالا رفتن میانگین شاخص اجتماعی-فرهنگی، تأثیر و نقش آن در شاخص کیفیت زندگی مجتمع مسکونی غدیر افزایش می‌یابد.

جدول ۶. آماره تعیین رگرسیون گام به گام شاخص اجتماعی - فرهنگی بر کیفیت زندگی (مأخذ: نویسندگان)

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعدیل یافته	نمره F	Sig F	ضریب بتا	نمره T	Sig T
شاخص اجتماعی-فرهنگی ← کیفیت زندگی	۰/۶۰۲	۰/۵۴۱	۰/۵۲۳	۳۴۸/۱۰۲	۰/۰۰۰	۰/۶۰۲	۱۴/۲۸	۰/۰۰۰

- بررسی رابطه بین ابعاد مختلف پایداری اجتماعی بوسیله تحلیل رگرسیون همزمان

جهت مطالعه و بررسی رابطه بین پایداری اجتماعی در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته ابعاد مختلف پایداری اجتماعی، از آزمون رگرسیون همزمان استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون که در جدول (۷) نشان داده شده است، به‌طور کلی اگر مقدار هر یک از ابعاد پایداری اجتماعی از جمله؛ قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی ۰/۴۵۶، آموزش ۰/۵۷۲، مسکن ۰/۶۷۱، خوانایی ۰/۷۳۱، نفوذپذیری ۰/۳۹۲، گوناگونی ۰/۲۸۴، آسایش اقلیمی ۰/۵۰۱، امنیت ۰/۷۳۹ و مشارکت ۰/۷۴۳ افزایش یابد؛ سبب بهبود و ارتقا پایداری اجتماعی شهروندان در مجتمع مسکونی غدیر شهر اراک می‌گردد.

مقدار R (ضریب همبستگی چندگانه) برابر با ۰/۸۰۸ می‌باشد، که همبستگی بالایی بین پایداری اجتماعی با ابعاد مختلف پایداری اجتماعی بیان شده در پژوهش حاضر برخوردار است؛ بنابراین مقدار این ضریب، رابطه میان این متغیرها را تأیید میکند. در واقع به بیانی ساده، به ازای یک واحد تغییر در اثر انحراف معیار ابعاد پایداری اجتماعی، ۰/۸۰۸ درصد تغییر در شاخص پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی غدیر شهر اراک ایجاد می‌شود؛ در نتیجه در صورت بالا رفتن میانگین ابعاد پایداری اجتماعی، تأثیر و نقش آن در شاخص پایداری اجتماعی مجتمع مسکونی غدیر افزایش می‌یابد.

جدول ۷. برآورد ضریب اثر ابعاد مختلف پایداری اجتماعی بر شاخص پایداری اجتماعی (مأخذ: نویسندگان)

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	نمره F	Sig F	ضریب بتا	نمره T	Sig T
قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی	←	پایداری اجتماعی	۰/۴۵۶	۰/۸۰۸	۰/۷۸۴	۲۶۸/۱۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۵۶	۸/۱۵۹	۰/۰۰۰
آموزش	←	پایداری اجتماعی	۰/۵۷۲			۲۹۸/۰۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۷۲	۱۰/۴۵۹	۰/۰۰۰
مسکن	←	پایداری اجتماعی	۰/۶۷۱			۳۶۵/۳۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۷۱	۱۲/۰۲۱	۰/۰۰۰
خوانایی	←	پایداری اجتماعی	۰/۷۳۱			۴۸۱/۰۹۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۱	۱۸/۶۳۲	۰/۰۰۰
نفوذپذیری	←	پایداری اجتماعی	۰/۳۹۲			۱۰۴/۸۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۲	۶/۱۸۷	۰/۰۰۰
گوناگونی	←	پایداری اجتماعی	۰/۲۸۴			۸۸/۳۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۸۴	۲/۸۴۶	۰/۰۰۰
آسایش اقلیمی	←	پایداری اجتماعی	۰/۵۰۱			۲۸۲/۳۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۰۱	۱۰/۶۰۸	۰/۰۰۰
امنیت	←	پایداری اجتماعی	۰/۷۳۹			۶۰۱/۶۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۹	۱۶/۷۳۰	۰/۰۰۰
مشارکت	←	پایداری اجتماعی	۰/۷۴۳			۶۷۲/۴۲۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۳	۱۴/۴۰۸	۰/۰۰۰

۷- نتیجه گیری

در پاسخ به سوال اول پژوهش، برای اینکه بتوانیم ثابت کنیم که متغیر کیفیت زندگی به مثابه یک سازمان کل با سایر شاخص های تأثیر گذار در آن نظیر شاخص اجتماعی- فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و حس تعلق، پایداری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کردیم، تا شاخص ها در نمونه مورد مطالعه براساس ضریب همبستگی بررسی شوند لذا شاخص های کیفیت زندگی همچون بعد اجتماعی- فرهنگی با ضریب ۶۷ درصد، بعد حس تعلق با ضریب ۵۷ درصد، کالبدی با ضریب ۴۳ درصد، بعد زیست محیطی با ضریب ۴۱ درصد و شاخص کیفیت زندگی با ضریب ۸۳ درصد بر پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی تأثیر بسزایی دارد.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش و ملاحظه نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره (۴) می توان بیان کرد که شاخص کیفیت زندگی به عنوان یک ساختار کل با همه ابعاد آن یعنی ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و حس تعلق رابطه مثبت و معناداری دارد به عبارتی با افزایش سطح کیفیت زندگی در هر یک از بعد ها، کیفیت زندگی در ابعاد دیگر نیز افزایش می یابد و بالعکس. می توان بیان کرد که شاخص کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی به عنوان ساختاری از طراحی محیطی مجتمع های مسکونی با هم رابطه مثبت و معناداری دارد؛ به طوری که اگر شاخص کیفیت زندگی افزایش یابد، به همان میزان نیز پایداری اجتماعی نیز افزایش می یابد.

در پاسخ به سوال سوم پژوهش، که به سنجش کیفیت زندگی از منظر دیدگاه های مختلف اشاره شد به ساختار نوینی از شاخص های کیفیت زندگی از منظر مؤلفه های ذهنی و عینی تأکید شد که در زمینه مفاهیم، مؤلفه های اجتماعی

فرهنگی، حس تعلق، کالبدی و زیست محیطی با هدف بهبود کیفیت زندگی و دست یابی به اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی شکل گرفته است. با توجه به نتایج آزمون های فوق، گویه بین مؤلفه های کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. کیفیت زندگی به عنوان یک ساختار کلی با ابعاد مؤلفه های آن یعنی ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و حس تعلق رابطه مثبت و معنادار دارد در بافت مسکونی غدیر با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل داده ها می توان بیان کرد که کیفیت زندگی کمتر از حد متوسط می باشد. بنابراین، با توجه به میزان سطح کیفیت زندگی در بافت مسکونی غدیر، که این امر خود بر کاهش میزان مؤلفه های ذهنی نظیر، مشارکت اجتماعی - فرهنگی، کاهش حس تعلق ساکنان نسبت به محیط و رفتار اجتماعی ساکنان نسبت به مشارکت در امور شهری تأثیر فراوان داشته است و آن را تحت شعاع قرار می دهد لزوم ارتقاء کیفیت زندگی و محیط در بافت مسکونی غدیر احساس می شود. و همچنین افزایش سطح کیفیت زندگی و محیط در بافت مسکونی، باعث ارتقاء مؤلفه های عینی نظیر سلامت روحی و جسمی، افزایش امکانات و خدمات رفاهی، فعالیت های اجتماعی، تنوع و انعطاف پذیری فضایی، تناسبات بصری، مشارکت ساکنان قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزش و مسکن در زمینه های اجتماعی - فرهنگی، حس تعلق، پایداری اجتماعی مسئولیت نسبت به محیط زندگی را افزایش داده و در نتیجه زمینه دست یابی به اصول پایدار در بافت مسکونی غدیر و سایر فضاهای مسکونی را فراهم می کند.

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر که نشانگر شاخص های کیفیت زندگی در راستای طراحی پایدار در مجتمع های مسکونی غدیر اراک در قالب مؤلفه های ذهنی (اجتماعی- فرهنگی و حس تعلق) و عینی (کالبدی و زیست محیطی) ارائه می شود که به صورت زیر است: برای این منظور می توان در بحث کالبدی مجتمع های مسکونی و دستیابی به طراحی پایدار، از اصول طراحی پایدار که در تعاریف و مفاهیم توسعه پایدار که به آن ها اشاره شده است و از آن ها برای طراحی مناسب در مجتمع های مسکونی مورد توجه قرار داد و از جمله این اصول در قالب طراحی پایدار مجتمع های مسکونی؛ کاهش مصرف منابع طبیعی با توجه به هماهنگی بنا با اقلیم، استفاده از انرژی تجدیدپذیر در مجتمع های مسکونی، ایجاد تغییرات کمتر در زمین، هماهنگی مسکن با سایت، استفاده از عوامل محیطی برای ایجاد آسایش و آرامش در بنا و استفاده از مصالح قابل بازیافت و ... اشاره کرد.

۸- پی نوشت

³ Oxford Advanced Learner's Dictionary

۹- منابع

- البیوت، جنیفر و ای بالان، احمد، ۱۳۷۸، بررسی مفاهیم توسعه پایدار، جهاد، شماره ۲۱۹-۲۱۸، تهران، صص ۲۶-۱۸، ۶
- بندرآباد، علیرضا، احمدی نژاد، فرشته (۱۳۹۳)، ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست پذیر در منطقه ۲۲ تهران، پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۷۴-۵۵.

- پرتوی، پروین و فتحعلیان، معصومه، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت های خودرو و برنامه ریزی شده اسلامشهر، مورد پژوهشی قائمیه و واوان، مطالعات تطبیقی هنر، سال اول، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۸.
- پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر و صادقی، علیرضا، ۱۳۸۸، خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقاء کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری، نمونه موردی: خیابان آزادی تهران، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۴، سال هفتم، صص ۸۰-۶۵.
- پورطاهری، مهدی و رکن الدین افتخاری و فتاحی، احدا.....، ۱۳۹۰، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان، سال چهل و سوم، شماره ۷۶، صص ۳۱-۱۳.
- تقی پور، ملیحه، حیدری، علی اکبر، ۱۴۰۰، ارزیابی نقش کیفیت معماری در ارتقاء کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی از دیدگاه سلامت ساکنان، مطالعات شهری، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص ۵۸-۴۳.
- دهقان زاد، شیمیا، ۱۳۹۲، بررسی شاخص های اقلیمی توسعه پایدار محلی در مناطق گرم و خشک، نمونه موردی: محله باغملی، شهرضا، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار.
- دهداری، طاهره، ۱۳۸۱، بررسی تأثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز، رساله کارشناسی ارشد، به راهنمایی حیدرنیا، علیرضا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، تهران، ایران.
- راد جهانبانی، نفیسه و پرتوی، پروین، ۱۳۹۰، بررسی تطبیقی کیفیت محیط در محله های شهری، با رویکرد توسعه پایدار، مورد پژوهشی: محله های خیابان و ایلگلی تبریز، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶، سال سوم، صص ۴۹-۲۵.
- رضوانی، محمد رضا و متکان، علی اکبر و منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین، ۱۳۸۸، توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، شماره ۲، سال اول، صص ۱۱۰-۸.
- رضوانی، محمدرضا و متکان، علی اکبر و منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین، ۱۳۸۹، توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، شماره ۲، سال اول، صص ۱۱۰-۸۷.
- رضوانی، محمد رضا و اکبریان، سعیدرضا و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، سید علی، ۱۳۹۰، تحلیل مقایسه ای آثار اقتصادی گردشگری خانه های دوم با گردشگری روزانه بر نواحی روستایی، با رویکرد توسعه پایدار، پژوهش های روستایی، شماره ۴، سال دوم، صص ۶۲-۳۵.
- رفیعیان، مجتبی و امین صالحی، فرزین، تقوایی، علی اکبر، ۱۳۸۹، سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران، برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۴، سال چهاردهم، صص ۸۸-۶۳.
- رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی و عسگری زاده، سکینه، ۱۳۸۸، سنجش رضایتمندی سکونتی از محله نواب، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۱، سال چهارم، صص ۶۸-۵۳.
- حاتمی نژاد، حسین، محمدی کاظم آبادی، لیلا، ۱۳۹۶، سنجش رضایتمندی از شاخص های کیفیت زندگی در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید مهاجران)، شماره ۲۳، دوره ۷، صص ۶۸-۵۳.
- حسنی نژاد، آسیه، مسیبی، سمانه، حسنی نژاد، اردلان (۱۳۹۵)، ارزیابی و سنجش شاخص های کیفیت زندگی در محلات شهری؛ مطالعه موردی: حاجی آباد فارس، سال چهاردهم، شماره ۱، پیاپی ۲۶، صص ۱۶۵-۱۸۴.
- زاهدی اصل، محمد، فرخی، جواد، ۱۳۸۹، بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی سرپرستان خانوارهای ساکن تهران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۹، صص ۲۹-۱.
- زندیه، مهدی، پروردی نژاد، سمیرا، ۱۳۸۹، توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران، مجله پژوهشی، مسکن و محیط روستا.
- سیف الدینی، فرانک، ۱۳۸۱، مبانی برنامه ریزی شهری، چاپ چهارم، انتشارات آبیژ، تهران.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱): فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، چاپ دوم، دانشگاه شیراز.

- شاه حسینی، پروانه، توکلی، هانیه (۱۳۹۲)، تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران، آمایش محیط، شماره ۲۴، ص ۱-۲۰.
- عظیمی، آزاده، ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری شماره ۵۵، شوراها، صص ۸-۴.
- قاسمی، وحید، نسترن، مهین، زرگر هادیزاده، صادق، ۱۳۹۲، ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه (ANP)، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳، سال بیست و چهارم، پاییز، صص ۱۷۳-۱۵۵.
- کاظمی محمدی، سید مهدی موسی و شکویی، حسین، ۱۳۸۱، سنجش پایداری اجتماعی، توسعه شهر قم، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، صص ۴۱-۲۷.
- کوکبی، افشین، ۱۳۸۶، معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی در مراکز شهری، هویت شهر، شماره ۱، صص ۸۷-۷۵.
- کوکبی، افشین و همکاران، ۱۳۸۴، برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۴۸-۳۶.
- لطفی، صدیقه، ۱۳۸۸، مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری، جغرافیای انسانی، شماره ۴، سال اول، صص ۸۰-۶۶.
- مافی، عزت اله، عبدالله زاده، ارزیابی پایداری اجتماعی کلان شهر مشهد، ۱۳۹۶، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۸، شماره ۱، صص ۷۸-۶۵.
- مفیدی شمیرانی، سید مجید، ممقانی قاضی جهانی، مهسا، ۱۳۹۱، اصول تجربی طراحی بناهای پایدار برای مناطق کویری، هویت شهر، شماره ۶، دوره ۱۲، سال ششم، صص ۸۴-۷۹.
- محمدپور، صابر، مهرجو، مهرداد، اغنائی، فاطمه (۱۳۹۸)، ارزیابی تأثیرات سیاست‌های حمل‌ونقلی در بهبود رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی: شهر رشت، برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۴۵-۱۷۸.
- نجات، سحرناز، ۱۳۸۷، کیفیت زندگی و اندازه گیری آن، اپیدمیولوژی ایران، شماره ۲، سال چهارم، صص ۶۲-۵۷.
- هزار جریبی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۱، آناتومی رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات جامعه و فرهنگ، تهران
- Ahmed Elewa, A, E, 2019, Unlocking the Potentials of Urban Architecture in Enhancing the Quality of Urban Life in Urban Poverty Areas through Community Projects, Journal of Environmental Science and Sustainable Development, ESSD
- Belking, u, exploring the Social Dimension of Sustainable Development, swedwn, 2008, 34. Estes, Richard, 2001, Social Welfare and Development, Partners or Competitors, University of Pennsylvania
- Fahy, F, et al., 2008, Developing and testing an operational frame work for assessing quality of life, Environmental Impact Assessment Review 28, pp 366-379
- Fasli, M, Sahin N, et al., 2007, An assessment of quality of life residential environments: Case of selimiye quarter in walled city of Nicosia, north Cyprus, faculty of architecture, architecture, eastern Mediterranean university, Famagusta, north Cyprus
- Foo, T, 2000, Subjective assessment of urban quality of life in Singapore, 1997-1998, Habitat International, 24(1):31-49
- Hancock, T, et al, 1991, Indicators that count! Measuring population health at the community level. Canadian Journal of Public Health, 20, pp. 22-26
- Kamp, I, et al., 2003, Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concept, a Literature Study. Landscape and Urban Planning, 65, pp. 5-18
- Massam, B. H., 2002, Quality of life: Public planning and private living, progress in Planning, 58: 141-227

- Marans, R.,2003,Understanding environmental quality through quality of life studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicators. In Landscape and Urban Planning 65 (1-2):73-83.
- McCrea, R,et al,2006,What is the Strenght of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life.Applied Ressearch in Quality of Life,1:79-96
- Moradi F., Roggema R. (2020) Density and Quality of Life in Mashhad, Iran. In: Roggema R., Roggema A. (eds) Smart and Sustainable Cities and Buildings. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-37635-2_8.
- Mouratidis, Kostas,2021, A review of pathways linking the built environment to subjective well-being, Urban planning and quality of life,No.115.
- Pal,A.K,et al, 2005,Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal,India, Rural Development, Volume xv, no 2
- Pacione,M,2003,Urbanenvironmental quality and humanwellbeing_a social geographical Perspective,Landscape and Urban Planning65,pp19-30
- Rapley, M. 2003 Quality of Life Research: A Critical Introduction, SAGE Publications Ltd, London
- Gou, Zhonghua et al , 2018 ,Quality of Life (QoL) Survey in Hong Kong:Understanding theImportance of HousingEnvironment and Needs of Residents fromDifferent Housing Sectors, journal of Environmental Research and Public Health, 27 January 2018
- Santos,L.D,et al.,2007,Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience,Social Indicators Research, 80: 411-425
- Pal, A. K,et al., 2005,Quality of Life Consept for the Evalution Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, Rural Development, Volume xv,no 2
- Ulengin,b.et al., 2001, Amultidimensional approach to urban quality of life : The case of Istanul.European Journal of Operational Research,130,pp.361-374
- Uzell, 2006, Environment and quality of life,Revue europeenne depsychologie appliquee ,56,pp.1-4
- Van kamp,Lrene et al., 2003,Urban environmental quality and human well-being towards a conceptual frame work and demarcation of concepts:a literature study,journal of Landscape and Urban Planning , Vol 65:5-18

The Role of Quality of Life in Achieving Social Sustainability Design Principles in Residential Complexes (Case Study: Ghadir Residential Complex in Arak)

Mohammad Salehi Marzyjarani^{*1}, Mahmoud Teimoury², Mehrdad Mehrjoo³

Abstract

The importance of quality of life studies in social policies and its role is an effective tool for urban management and planning. This research aims to evaluate the quality of life to achieve the principles of social sustainability design of residential complexes. The present research is quantitative in terms of approach. The research method is quantitative and case sample method. A questionnaire was used to collect information. Cronbach's alpha coefficient of the questionnaires was 0.843 statistical population of the present study is the residents of the Ghadir Arak residential complex. The sample size was calculated using Cochran's formula of 280 people. The data were analyzed using Spss software and Kolmogorov Smirnov parametric statistical tests, Pearson correlation about the measurement and evaluation of the quality of life indicators. The findings of the present research indicate that the quality of life in residential complexes is directly related to the participation of residents in socio-cultural contexts, a sense of belonging to mental dimensions, and physical and environmental contexts to objective dimensions. Therefore, the quality of life in the mental, social and cultural dimensions and sense of belonging is higher than in the objective, physical, and environmental dimensions. Components such as socio-cultural, physical, environmental, and sense of belonging are reliable tools for measuring the quality of life. According to the lifestyle of citizens, they can be used to achieve the principles of social sustainability design in residential complexes such as the Ghadir Arak Complex

Keywords: quality of life, social sustainability, residential complexes, Ghadir, Arak

¹ - Ph.D. Candidate in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran (Corresponding Author)

² - Department of Architecture, Faculty of Engineering, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

³ - Ph.D. Candidate in Urban planning, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, Guilan, Iran.